

ویژه نامه



# اهداف دولت زینہ از ظہور

مریم کریمی تبار\*

### چکیده

این مقاله ضمن تعریف واژه «دولت» به تبیین دیدگاه اسلام درباره هدف نهایی آفرینش می‌پردازد؛ هدفی که همانا قرب الی‌الله است و با تحقق حکومت امام مهدی راه رسیدن به آن هموار می‌گردد. سپس دیدگاه جوامع غیردینی را در می‌افکند که بنابر آن، سرشار شدن جهان از صلح و عدالت و امنیت در گرو ظهور منجی است. در نهایت، این نتیجه به دست می‌آید که ظهور یک نجات‌بخش بزرگ اعتقاد و خواسته همه ملل آزادی‌خواه در جهان است و چون تحقق این خواسته جز با فراهم آوردن مقدمات و زمینه‌های لازم امکان نمی‌پذیرد، پس باید با برنامه‌ریزی‌های صحیح و پی‌گیری اهداف مؤثر، شرایط و بستر لازم برای تحقق ظهور را فراهم آورد. در این میان، نقش دولت‌های اسلامی بسیار مهم و مؤثر است. لذا در ادامه مقاله به برخی از اهداف مهم اشاره می‌شود که دولت‌های اسلامی باید در راستای زمینه‌سازی برای تحقق حکومت عدل جهانی آنها را دنبال کنند.

### واژگان کلیدی

دولت، عدالت، امنیت.

## مقدمه

هر حرکت اصلاحی و انقلابی زمانی به نتیجه می‌رسد که برای آن زمینه‌سازی‌های لازم شده باشد و گروهی معتقد، مخلص و فداکار آن را یاری کنند و به پیش ببرند. انقلاب حضرت ولی عصر نیز از این اصل برکنار نیست، به ویژه که این انقلاب حرکتی جهانی است و یاورانی در سطح جهان را می‌طلبد که پذیرا و پشتیبان آن باشند. پرورش چنین یاورانی نیاز به زمینه‌سازی جهانی دارد که همه منتظران باید در این جهت توان خود را به کار گیرند. در این میان، وظایف مهم و پیچیده‌ای بر عهده دولت‌های اسلامی است که باید با برنامه‌ریزی‌هایی صحیح و پی‌گیری اهداف بلند در این زمینه بسیار تأثیرگذار عمل کنند. دولت زمینه‌ساز باید همه فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود را براساس آموزه مهدویت طراحی کند و با تلاش‌های مضاعف خود در این جهت، همه جهان را آماده و پذیرای حکومت عدل جهانی نماید. اهدافی که دولت زمینه‌ساز باید آنها را تعقیب کند، متعدد و متنوع است که در این نوشتار به فراخور به شماری از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

## تعریف دولت

واژه دولت (state) از ریشه لاتینی «staves» به معنای ایستادن و به صورت دقیق‌تر از واژه «statvs» به معنای وضع مستقر و پا برجا آمده است. این واژه چنان که معنای لغوی آن دلالت می‌کند، با ساختار اقتدار و روابط قدرت در جامعه سر و کار دارد. صاحب‌نظران، تعاریف متفاوت و متعددی از این واژه بیان داشته‌اند که از جمله تعاریف آنان در زیر می‌آید:

۱. دولت عالی‌ترین مظهر رابطه قدرت و حاکمیتی است که در همه جوامع وجود دارد و مفهومی گسترده‌تر از نهادهای اجرایی و قانون‌گذاری دارد.<sup>۱</sup>
۲. دولت چارچوبی از ارزش‌هاست که در درون آن زندگی جریان می‌یابد و قدرت عمومی خود را در جهت تحقق آن ارزش‌ها به کار می‌برد.<sup>۲</sup>
۳. دولت به منزله قدرت سامان یافته و شکل‌بندی شده اجتماعی است.<sup>۳</sup>
۴. نظامی غیرشخصی و مسلط قانونی است که ساختاری جمعی از اقتدار را تعیین می‌کند و طبیعت و شکل اداره و نظارت بر یک اجتماع معین را ایجاد می‌کند.<sup>۴</sup>
۵. دولت بغرنج‌ترین، مجهزترین و کامل‌ترین نهاد و سازمان سیاسی، اداری، قضایی و نظامی کشور است.<sup>۵</sup>

همه این تعاریف بر عناصر اقتدار، حاکمیت، نهاد اجتماعی، تشکیلات سیاسی، اجرایی، قضایی و قانون‌گذاری تأکید دارند. بنابراین، در تعریفی دیگر می‌توان گفت که دولت دستگاه سامان یافته اجتماعی است که ضمن دارا بودن عناصر قدرت و حاکمیت در پرتو قانون‌گذاری و اجرای قوانین، تنظیم همه روابط انسانی و تعاملات اجتماعی را در سطح داخلی و بین‌المللی برعهده دارد. بنابراین تعریف، دولت حکومتی مقتدر است که در ضمن

دولت دستگاه سامان یافته اجتماعی است که ضمن دارا بودن عناصر قدرت و حاکمیت در پرتو قانون‌گذاری و اجرای قوانین، تنظیم همه روابط انسانی و تعاملات اجتماعی را در سطح داخلی و بین‌المللی برعهده دارد.

قانون گذاری ضامن اجرای قوانین نیز به شمار می رود و تشکیلاتی است که از تعدی و تجاوز و هر آن چه باعث برهم زدن تعاملات سالم اجتماعی می شود، بازمی دارد و قدرت بازدارنده ای است که از بروز مشکلات و تضییع حقوق افراد می کاهد و در تعامل با کشورها و دولت های دیگر از قوانین و چارچوب مشخصی پیروی می کند.

### اهداف متوسط و میانی و هدف نهایی آفرینش

گاهی اهداف حکومت ها مشخص و معین است و گاهی مراتب دارد، یعنی یک هدف عالی و نهایی منظور است و اهداف دیگر وسیله ای هستند برای رسیدن به آن هدف نهایی. با وجود این، امروزه بیشتر حکومت ها، اهداف دنیوی و مادی مثل آزادی، امنیت، رفاه، بهداشت، آموزش، رضای خواسته های همه مردم یا دست کم اکثر آنان و هر هدفی را که به نوعی به آسایش زندگی دنیوی آنها برگردد، دنبال می کنند و حکومتی از نظر مردم ایده آل است که بتواند امنیت داخلی و خارجی و خواسته های اکثر را برآورده سازد، اما در حکومتی که انبیا مطرح کرده اند و دولتی که رسول گرامی اسلام آن را بنیان نهاد، هدفی فراتر از این اهداف مورد توجه است و همه این اهداف، به گونه متوسط و میانی برای رسیدن به آن هدف غایی لحاظ می شوند. آن هدف غایی، همان هدف خلقت انسان است. خداوند متعال می فرماید:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۗ

خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که حتماً آنها را در این سرزمین جانشین خود قرار دهد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین خود قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.

منظور از لیستخلفنهم فی الارض خلیفه الهی و یا جانشین و وارث گذشتگان است، یعنی مؤمنانی که به وظایفشان عمل

می کنند، در زمین تمکن می یابند، قدرت را به دست می گیرند و وارث زمین می شوند، بر گردن کشان و همه کسانی که مانع امنیت و عدالت می شوند، تسلط پیدا می کنند و خداوند توسط آنان همه نامنی ها را به امن تبدیل می فرماید. وقتی این اهداف یعنی رسیدن به قدرت و تسلط بر جهانیان و برقراری امنیت و مبارزه با ظلم و فساد تحقق پیدا کرد، هدف نهایی محقق می شود؛ **يَعْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا** . هم چنین در جای دیگر فرمود: **وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي** . پس هدف نهایی آفرینش همان پرستش خدای متعال است. بنابراین، طبق آموزه های قرآن و دین مبین اسلام، هدف نهایی از زندگی اجتماعی تحقق هدف نهایی خلقت است تا آن جا که انسان ها خودشان را فقط بنده خدا ببینند و خدارا مالک همه چیز و دارای همه فضیلت ها و ارزش ها بدانند. وانگهی تشکیل حکومت و تعقیب اهداف دیگر مثل عدالت و رفاه و امنیت و سرکوبی دشمنان و... همگی مقدمه و وسیله ای برای رسیدن به آن هدف اصلی به شمار می روند.<sup>۷</sup>

### اعتقاد به منجی، اعتقادی جهانی

هدف نهایی آفرینش، رسیدن به عبودیت و کمال و نزدیکی هر چه بیشتر انسان به منبع همه کمالات یعنی خداوند متعال است. برای نیل به این آرمان بزرگ باید مقدمات و وسایل آن فراهم گردد. حکومت جهانی امام عصر در پی فراهم آوردن مقدمات تقرب به سوی خداوند و برداشتن موانع از این مسیر است، آن چنان که با تحقق حکومت عدل جهانی، اسباب رسیدن به کمال و عبودیت و قرب الی الله فراهم می شود و راه برای رسیدن به هدف خلقت هموار می گردد. حتی از نظر جوامعی که اعتقادی به قرب الی الله و هدف نهایی آفرینش ندارند، رسیدن به عدالت، انسان دوستی، صلح و امنیت، آرامش و رفاه و رهایی از ظلم و ستم و فساد و انحطاط، به منزله هدف و غایت به شمار می رود و آنان نیز نیل به جهانی با این خصوصیات را در گرو ظهور منجی بشریت می دانند و در اوصاف کلی و اصول برنامه های انقلابی او اتفاق نظر دارند؛ هر چند هر کدام او را به نامی می خوانند. لذا مسئله ایمان به ظهور نجات بخش بزرگ برای مرهم نهادن به زخم های جان کاه بشریت، اعتقادی جهانی و قدیمی است. قرآن کریم نیز به این مسئله چنین اشاره فرموده است:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ<sup>۸</sup>

و ما در زبور پس از تورات نوشته‌ایم که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد.

و در جای دیگری می‌فرماید:

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ الْوَارِثِينَ<sup>۹</sup>

و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین نعمت دهیم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم.

گفتنی است که احادیث نیز همه جا از حکومت حضرت بر سراسر زمین سخن گفته‌اند.

## لزوم زمینه‌سازی

بدیهی است که برای ظهور چنین نجات‌بخشی بزرگ باید شرایط و زمینه‌های لازم را فراهم آورد، اما گروهی در چگونگی فراهم کردن زمینه‌ها و مقدمات ظهور منجی به بی‌راهه رفته‌اند و با استناد به اخباری که جهان عصر ظهور را آکنده از ستم و فساد یاد کرده‌اند، چنین پنداشته‌اند که انتظار مصلح جهانی سکون و بی‌توجهی را می‌طلبد و باید تماشاگر جنایت‌ها و پلیدی‌ها بود تا به پر شدن جهان از شرّ و فساد کمک کنند و بدین‌وسیله زمینه را آماده سازند. گروهی نیز پا را فراتر نهاده‌اند و پنداشته‌اند که خود باید به تشدید جنایات و ظلم‌ها دامن زنند تا زمینه زودتر فراهم گردد. از این‌رو، برخی دولت‌های ستم‌پیشه و جابر، مسئله انتظار را دست‌آویزی برای ظلم‌های روزافزون خود قرار داده‌اند و مدعی شده‌اند که با جنایت‌های روزافزون به فراهم کردن زمینه و مقدمات ظهور منجی کمک می‌کنند!

در پاسخ به این شبهه و پندار باید گفت که پرشدن جهان از ظلم و فساد در آستانه ظهور که روایات از آن سخن گفته‌اند، چهره غالب آن دوره است که البته خود نوعی زمینه‌سازی به شمار می‌رود؛ چرا که نوع مردم از این وضع ناراضی می‌شوند و به ستوه می‌آیند و همین موضوع آنان را تشنه انقلاب می‌کند و نوعی زمینه فکری و معنوی ایجاد می‌نماید، لیکن در همین روزگار وجود یاورانی پاک، مقاوم و مبارز که مصلح موعود را یاری رسانند، ضروری است و منافاتی ندارد که در کنار این فساد جهانی، دوستان و یاوران حضرت و دولت‌های بیدار با زمینه‌سازی‌های مثبت، افکار جهانیان را برای انقلاب جهانی حضرت آماده سازند.

بنابر چند روایت، پیش از ظهور امام مهدی مردمی قیام می‌کنند که مقدمات حکومت مهدوی را فراهم می‌سازند. رسول خدا فرمودند:

يُخْرِجُ أَنْسَ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ<sup>۱۰</sup>

مردمی از مشرق قیام می‌کنند و زمینه حکومت مهدی را فراهم می‌سازند.

منافاتی ندارد که در کنار این فساد جهانی، دوستان و یاوران حضرت و دولت‌های بیدار با زمینه‌سازی‌های مثبت، افکار جهانیان را برای انقلاب جهانی حضرت آماده سازند.

روایاتی از این دست حاکی از حضور مردم در صحنه‌های گوناگون حکومت حضرت و فراهم ساختن مقدمات آن و یاری رساندن به حضرت است. تحقق حکومت امام مهدی بدون مقدمه نیست، بلکه با مقدمه و زمینه‌سازی انجام می‌پذیرد، بدین گونه که منتظران در محیط خویش به پا می‌خیزند و قیام می‌کنند و حکومتی تشکیل می‌دهند و همین حکومت‌ها زمینه‌هایی می‌شوند برای گرد هم آمدن و به هم پیوستن صفوف یاران مؤمن، بصیر و متحرک که هسته اصلی مقاومت مؤمنان و وارثان زمین را تشکیل می‌دهند و از قیام حضرت پشتیبانی می‌کنند و کارهای حکومت جهانی را انجام می‌دهند. بنابر احادیث، امام مهدی از مردم یاری می‌طلبد و می‌فرماید: «یا ایها الناس! انا نستنصر الله و من اجابنا من الناس...»<sup>۱۱</sup> و یا «انا نستنصر الله الیوم و کل مسلم...»<sup>۱۲</sup> امام خمینی؛ ضمن تبیین دیدگاه‌هایی که انتظار را برابر با سکون، استایی و تن دادن به وضع موجود و یا دامن زدن به ظلم و جنایت معرفی می‌کنند، به مقابله جدی با آن می‌پرداخت و می‌فرمود:

بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه و در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان را از خدا بخواهند... یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد، به این چیزها کار نداشته باشیم، ما تکلیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله درست می‌کنند... یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب! باید عالم پر معصیت بشود تا حضرت بیاید، ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند، گناهان زیاد بشود که فرج نزدیک بشود... یک دسته‌ای از این بالاتر بودند و می‌گفتند باید دامن زد به گناهان، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از ظلم و جور شود و حضرت تشریف بیاورند... یک دسته دیگر بودند که می‌گفتند هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است.<sup>۱۳</sup>

ایشان ضمن رد همه این دیدگاه‌ها، دیدگاه خود در باب انتظار فرج را این گونه بیان می‌کند:

همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه شود.<sup>۱۴</sup>

همه انتظار داریم و وجود مبارک ایشان را، لکن با انتظار تنها نمی‌شود، بلکه با وضعی که بسیاری دارند، انتظار نیست. ما باید ملاحظه وظیفه فعلی شرعی - الهی خودمان را بکنیم و باکی از هیچ امری از امور نداشته باشیم.<sup>۱۵</sup>

بنابر آن چه گفته شد، تهیه مقدمات و زمینه‌های لازم برای قیام منجی موعود امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و باید در اولویت اهداف و برنامه‌های هر جامعه و دولت منتظر منجی قرار گیرد، لیکن این زمینه‌سازی نه سکون و بی‌توجهی و نه دامن زدن به ظلم و جنایت است، بلکه حرکتی مثبت، سازنده و پویا در جهت نزدیک شدن به آرمان‌های حکومت جهانی به شمار می‌رود.

دولت‌های اسلامی باید سعی کنند همه اهداف و برنامه‌های خود را در راستای نزدیک شدن به اهداف حکومت مهدوی قرار دهند و در قالب اعمال و اقدامات انسان‌دوستانه و عقلایی بستر مناسب را برای پذیرش دولت‌ها و ملت‌های دین‌گریز و اسلام‌ستیز فراهم آورند. به بیان دیگر، اگر دولت‌های اسلامی، اهداف حکومت عدل جهانی را اجرا کنند، الگویی عملی و مثبت برای همه دولت‌ها و ملت‌های دین‌گریز و اسلام‌ستیز اما عدالت‌خواه می‌گردند و به طور غیرمستقیم، زمینه معرفت به آموزه‌های ناب اسلامی و ویژگی‌های نظام مهدوی را فراهم می‌سازند و بستر مناسبی برای پذیرش و تسلیم فراهم می‌آورند. اجرای اهداف حکومت مهدوی به صورت تام و کامل جز در سایه رهبری امام معصوم میسر نیست، ولی این امر نباید دولت زمینه‌ساز ظهور را از تلاش و حرکت در نزدیک شدن به آن اهداف و گام برداشتن در آن مسیر باز دارد.

### اهداف دولت‌ها

اهدافی که حکومت‌ها به دنبال آن هستند، در دو بخش می‌توان برشمرد:

حکومتی می‌تواند سالم و ارزش‌مند باشد که خود براساس عدالت روی کار آمده و اجرای عدالت را نیز سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده است.

۱. اهداف عمومی که بنابر آن، هر دولتی که به شکل صحیح و منطقی روی کار آید و در صدد ظلم و تعدی به حقوق و منافع دیگران نباشد، قاعدتاً باید آن اهداف را نصب العین خود قرار دهد و برای دستیابی به آن تلاش کند؛ همان اهدافی که حکومت نبوی و علوی و مهدوی و هر حکومت دینی و اسلامی دیگر نیز در پی آنها بوده است، مثل برقراری عدالت، امنیت، رفاه و... کشورها و دولت‌های بیگانه با اسلام نیز با مشاهده تحقق نسبی آن اهداف به شناخت صحیحی از دین می‌رسند.

۲. اهداف ویژه دولت زمینه‌ساز ظهور که تنها جهت زمینه‌سازی و فراهم کردن بستر مناسب برای ظهور مهدی موعود باید آنها را تعقیب کرد، مثل مبارزه با تبلیغات یأس‌آلود و منفی دشمنان، تربیت نیروهای کارآمد و شایسته برای پشتیبانی از حکومت عدل جهانی و... .

تمایز این دو بخش از آن‌روی است که اهداف بخش اول به طور غیرمستقیم زمینه‌ساز ظهور خواهد بود، ولی دستیابی به اهداف دسته دوم، گامی مستقیم برای فراهم آوردن شرایط و زمینه‌های ظهور امام است.

## الف) اهداف عمومی

### ۱. عدالت

تحقق عدالت فضیلتی به شمار می‌رود که نظام طبیعت بر آن مبتنی است و بشر آن را معیاری برای رفتار اجتماعی به رسمیت می‌شناسد. لذا حکومتی می‌تواند سالم و ارزش‌مند باشد که خود براساس عدالت روی کار آمده و اجرای عدالت را نیز سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده است. اگر حکومتی بر اساس سلطه‌گری و ظلم پی‌ریزی شود، ناپایدار و زوال‌پذیر خواهد بود و اگر عدالت، محور نباشد، موجب نارضایتی و خشونت می‌گردد.

راغب اصفهانی عدل را به معنای مساوات دانسته و آیه مبارکه *إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ*<sup>۱۶</sup> را چنین تفسیر کرده که عدل در آیه مساوات در مکافات است، یعنی پاداش عمل خیر به اندازه خودش و جزای عمل شر هم مساوی خودش باشد و برای توضیح بیشتر این واژه می‌گوید: عدل تقسیم کردن به طور مساوی است.<sup>۱۷</sup>

ابن منظور نیز عدل را تساوی میان دو چیز دانسته<sup>۱۸</sup> و شیخ طوسی می‌نویسد:

عدالت در لغت آن است که احوال انسان متعادل و متساوی باشد.<sup>۱۹</sup>

علامه طباطبایی در معنای این واژه فرموده است:

عدالت یعنی حق هر صاحب حقی را به او دادن و در جای‌گاه مناسب خود قرار دادن.<sup>۲۰</sup>

امام علی ابرمرد عدالت و الگوی دادگری می‌فرماید:

*العدل یضعُ الامور مواضعها؛*<sup>۲۱</sup>

عدل، هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد.

نزدیک‌ترین تعریف به تعریف امام از میان معانی بیان شده برای واژه عدل، همان معنایی است که علامه طباطبایی بیان فرموده است.

آن‌چه اکنون در دنیا می‌گذرد، از جهات مختلف با عدالت در تعارض است. جهان امروز بیشتر در اختیار کسانی است که تمام تلاششان بر خودمحوری مبتنی است. اصل تنازع بقا و توأم بودن قدرت و حقیقت از اصولی است که مبنای رفتار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی این افراد را تشکیل می‌دهد. تثبیت حق «تو» برای پنج کشور قدرت‌مند دنیا، حمایت از اسرائیل، حمله به کشورها، دست‌اندازی به ثروت‌های جهانی، استخدام شعارهایی مثل مبارزه با تروریسم و امثال آن در جهت تأمین منافع، خود از مهم‌ترین مصادیق ظلم‌های نهادینه شده در جهان امروز است.

رهبران حاکم بر دنیا ویژگی‌های لازم برای رهبری را ندارند. بنابر صریح لا ینالُ عهْدی الظالمین. ستم‌گران شایستگی رهبری جوامع را ندارند، در حالی که عمده کارگزاران سیاسی امروز دنیا، در حال ستم‌گری به خود و دیگران هستند. قوانین حاکم بر دنیا نیز به دلیل این‌که از سرچشمه‌های سکولاریستی برخاسته‌اند، در بسیاری از جهات با قوانین الهی مغایرت دارند. این قوانین باعث شده فاصله و نابرابری میان ملت‌ها و کشورهای فقیر و غنی روزبه‌روز افزوده شود. عمل کردهای ظالمانه باعث شده محیط زیست به مخاطره افتد و لذا عرصه‌های رقابت به نفع قدرت‌مندان گردد. با وجود آن‌که انواع بهره‌مندی‌ها در برخی از کشورها رایج است، در برخی از مناطق گرسنگی، فقر و انواع بیماری‌ها رو به گسترش است. گویا آن‌چه ابلیس به خداوند متعال گفت، محقق شده است:

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ<sup>۲۴</sup>

گفت: پروردگارا، به سبب آن‌که مرا گمراه ساختی، من [هم گناهانشان را] در زمین برایشان می‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت.

بنابراین، با نگاه کلان به مسائل جهان امروز، در خواهیم یافت که حاکمان مسلط بر جهان امروز نیز چنین ادعایی ندارند که ظلم در جهان امروز برقرار نیست. جهانی شدن، مبارزه با تروریسم، دفاع

از حقوق بشر، مبارزه با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و اتمی، دفاع پیش‌گیرانه و تأمین امنیت جهانی، شعارها و بهانه‌هایی است که در خدمت نهادینه کردن این ظلم‌ها قرار دارد.<sup>۲۳</sup>

دادگستری صفت ویژه امام مهدی است. احادیث بسیاری بر ظلم‌ستیزی و عدالت‌گستری حضرت دلالت دارند، از آن جمله این‌که رسول گرامی اسلام فرمودند:

لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمًا لَطَوَّلَ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ فِيهِ رَجُلًا مَنِّي - أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي - يَواطِئُ اسْمَهُ اسْمِي، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ ظِلْمًا وَجورًا؛<sup>۲۴</sup>

اگر از دنیا به جز یک روز باقی نمانده باشد، خدای متعال آن روز را چندان طولانی می‌کند تا در آن روز مردی از اهل بیت من مبعوث شود، او هم‌نام من است و زمین را پس از آن‌که پر از ظلم و جور شده، پر از قسط و عدل می‌کند.

اجرای عدالت فلسفه بعثت انبیا در جهان بوده، ولی این هدف مقدس تاکنون محقق نشده است. خداوند آخرین امام و حجت خود را ذخیره کرده تا در لحظه موعود قیام کند و زمین را پر از عدل و داد سازد. چنین آرمانی تاکنون تحقق پیدا نکرده و از این پس نیز محقق نخواهد شد. این آرزوی بزرگ تنها در حکومت مهدوی برآورده می‌شود و تنها او بر استقرار عدالت دانا و تواناست. البته این سخن به این معنا نیست که هرگونه تلاش برای برقراری عدالت در دوران غیبت بی‌فایده است و یا هرگز نباید در این دوران حرکتی را برای استقرار نظام عادلانه حتی در سطحی محدود انجام داد، بلکه معنای این سخن این است که تا پیش از ظهور امام مهدی هیچ حکومتی نمی‌تواند ادعا کند که توان برقراری نظام عادلانه کامل را دارد، چنان‌که امام راحل فرمود:

البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم، اگر می‌توانستیم می‌کردیم. اما چون نمی‌توانیم بکنیم، ایشان باید بیایند... اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را هم‌چو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت<sup>۲۵</sup>.



برپایی عدالت در هر جامعه‌ای نیازمند ارکان و پایه‌های متعددی است و نبود هریک از این ارکان موجب ناپایداری عدالت در آن جامعه می‌شود. مهم‌ترین ارکان عدالت عبارتند از:

یکم. حاکم عادل: بدون شک آن‌گاه می‌توان از جامعه و حکومتی انتظار حرکت به سوی عدالت داشت که امام و حاکم آن جامعه خود در مسیر عدالت باشد و در زندگی فردی و اجتماعی عدالت را پیشه خود سازد. از این‌روست که در نظام حکومتی که شیعه ترسیم می‌کند، وجود امام عادل از مهم‌ترین شرایط است و بدون وجود این امام، حکومت از مشروعیت برخوردار نیست.

دوم. کارگزاران عادل: یکی از موانع اساسی که در برقراری عدالت همواره فراروی مصلحان اجتماعی قرار داشته، نبود مجریان و کارگزاران عادل است. لذا برای تحقق عدالت و گام نهادن در این مسیر، لازم است متصدیان امر حکومت از افراد زبده و برگزیده‌ای انتخاب شوند که در عدالت و پرهیزکاری و تخصص و تعهد برجسته باشند. سوم. قوانین عادلانه: وجود قوانین عادلانه از شرایط اساسی تحقق عدالت اجتماعی است و بدون وجود آن، چنان‌که باید و شاید عدالت را در جامعه نمی‌توان حکم‌فرما ساخت. بی‌تردید، کتاب الهی و سنت رسول خدا بیان‌کننده عادلانه‌ترین قوانین هستند و جامعه در صورت معیار و میزان قرار دادن آنها طعم عدالت را خواهد چشید، چنان‌که امام علی قرآن را چنین آئینه تمام‌نمای عدالت معرفی می‌فرماید:

... فهو معدن الایمان و بحبوحته و ینابیع العلم و بحوره و ریاض العدل و غدرانه؛<sup>۲۶</sup>  
قرآن معدن ایمان و چشمه‌سار آن، چشمه‌های علم و دریا‌های آن، باغ‌های عدل و آب‌گیرهای آن است.

چهارم. نظام عادلانه: تحقق عدالت اجتماعی نیازمند وجود نظامی مبتنی بر عدالت است؛ نظامی که جای‌گاه هرکسی به درستی در آن تعیین شده باشد، همه مسئولانش و وظایف خود را به درستی بشناسند و به آن عمل کنند و سرانجام همه احساس کنند که بر کار آنها نظارت وجود دارد و در صورت خطا و لغزش از آنها بازخواست می‌شود.<sup>۲۷</sup>

پنجم. ابعاد عدالت: براساس آموزه‌های دین اسلام، عدالت تنها به صحنه حیات اجتماعی انسان‌ها و روابط آنها با دیگران محدود نمی‌شود، بلکه حوزه وسیعی شامل ارتباط انسان با خدا، رابطه انسان با خود و رابطه انسان با دیگران را در بر می‌گیرد.

انسان در بُعد رابطه با خدا، با همه مظاهر کفر و شرک و بدعت و باطل مبارزه می‌کند و با تمام توان در نیل به حق و حقیقت و احیای دین خدا می‌کوشد و در بُعد رابطه با خود به استعدادها و ظرفیت‌های خود توجه می‌کند و در شکوفا کردن آنها و مقابله با هرگونه ذلت و بردگی و انحطاط می‌کوشد. عدالت در این دو بُعد، عدالت فردی است که هر انسانی خود باید برای رسیدن به آن تلاش کند، ولی آنچه مربوط به حکومت می‌شود و در حیطه کار دولت قرار می‌گیرد، تلاش برای برقراری عدالت در بُعد رابطه انسان با

در نظام حکومتی که شیعه ترسیم می‌کند، وجود امام عادل از مهم‌ترین شرایط است و بدون وجود این امام، حکومت از مشروعیت برخوردار نیست.

دیگران است که از آن به عدالت اجتماعی یاد می‌کنیم. عدالت اجتماعی دامنه وسیعی دارد و حوزه‌های مهم و گوناگون اجتماعی را در بر می‌گیرد و از آن‌جا که توجه به آن باید از جمله اهداف و برنامه‌های اصلی دولت باشد، لازم است قدری بیشتر به بحث درباره آن بپردازیم. عدالت اجتماعی حوزه‌های متعددی را شامل می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

یکم. برقراری عدالت در حوزه قانون‌گذاری و اجرای قانون: همان‌گونه که خداوند احکام اولیه را بر محور عدالت تشریح فرموده، دولت اسلامی نیز باید در وضع قوانین و مقررات حکومتی عدالت را محور قرار دهد و قوانینی هم‌آهنگ و هم‌سو با دستورهای اسلامی، عقل، وجدان و انسانیت وضع نماید تا با اجرای صحیح آنها سلامت جامعه و سعادت بشر تضمین گردد. اگر در مرحله قانون‌گذاری تبعیض گذاشته شود و ملاک‌های عقلی، ارزشی، انسانی و اخلاقی در آن رعایت نگردد، به نحو اولی در مرحله اجرا تحقق عدالت غیر ممکن خواهد بود. امروزه صدها قانون در دنیا حکم‌فرماست که مقداری از آنها مطابق عقل و عدالت است، ولی بیشتر آنها با تمامی مفاهیم عقلی و انسانی و اخلاقی و حتی با آموزه‌های ادیان آسمانی مخالف است، مثل قانون آزادی‌های زشت جنسی، پرده دری و انحرافات جنسی، شراب‌خواری و رباخواری. مخالفت صریح این قوانین با حق و عدالت و انسانیت، یکی از موانع حکومت جهانی حضرت مهدی است. پس دولت زمینه‌ساز باید با پالایش و پیرایش این قوانین و یا جانشینی قوانین عادلانه انسانی - اسلامی، عدالت را در این حیطة به منصفه ظهور در آورد.

ایجاد عدالت در مرحله اجرای قانون نیز شاخصه دیگر این حوزه است. همه انسان‌ها از هر طبقه و قوم و قبیله و نژاد و ملیت و رنگ و پوست و زبان در برابر قانون مساوی هستند و هیچ‌کس به علت ویژگی طبیعی بر دیگری برتری ندارد و قانون بر همگان به طور یکسان حاکم است. امام صادق در این باره می‌فرماید:

الناس سوادٌ كأسنان المشط؛<sup>۲۸</sup>

مردم برابرند مثل دندان‌های شانه.

دوم. برقراری عدالت در حوزه فرهنگ و آموزش: اعتلای سطح فرهنگ و دانش افراد جامعه امری است که دولت‌مردان در راستای

تحقق عدالت اجتماعی باید بدان توجه کنند. رعایت عدالت در این حیطة ایجاب می‌کند که زمینه رشد فکری، فرهنگی و توسعه خردورزی و دانش برای همه افراد جامعه به طور مساوی فراهم باشد و شرایط و امکانات معرفت و آگاهی براساس عدالت تقسیم شود. بدیهی است که افراد پس از فراهم شدن شرایط مساوی به علت تفاوت استعدادها، ظرفیت‌ها، تلاش‌ها و تدبیرها بهره‌های متفاوتی خواهند داشت. این تفاوت‌ها که به میزان استعداد و ظرفیت و تلاش و تدبیر افراد بستگی دارد، هیچ‌گونه منافاتی با عدالت نخواهد داشت، بلکه تفاوت‌هایی کاملاً طبیعی و لازمه اجتماع انسانی است. لذا برای ایجاد عدالت در این مقوله، باید فرصت دستیابی به تحصیلات و مشاغل و زمینه‌های معرفت، رشد و پیش‌رفت برای همه فراهم باشد. آن‌گاه افراد به میزان لیاقت و تلاششان به موفقیت دست می‌یابند.<sup>۲۹</sup>

سوم. برقراری عدالت در حوزه سیاست: منظور از عدالت سیاسی تأمین برابری، توازن، اعطای حقوق و رعایت قانون در عرصه‌های مختلف اجتماعی و توزیع عادلانه قدرت میان آحاد جامعه است. اعطای حقوق سیاسی مردم با اصلاح نظام مدیریتی و سپردن جای‌گاه‌های مهم و کلیدی کشور به انسان‌های شایسته و فراهم نمودن زمینه‌های مشارکت افراد در امور سیاسی، برخورداری از حق بیان، حق انتقاد، حق انتخاب شدن، انتخاب کردن و... محقق می‌شود. آیات دلالت‌کننده بر مشورت مثل آیه *وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ* *بَيْنَهُمْ*<sup>۳۰</sup> و آیات درباره امر به معروف و نهی از منکر از جمله آیه *كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ*<sup>۳۱</sup> بر حقوق سیاسی مردم دلالت می‌کنند. حقوق سیاسی دولت‌مردان بر مردم نیز اجابت و اطاعت است، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُوْبِئِ الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛<sup>۳۲</sup>

خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید.

هم‌چنین طبق فرمایش امام علی وفاداری، خیرخواهی و اطاعت، حقی است که بر عهده مردم قرار دارد. امام می‌فرماید:

ای مردم! ... اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی

کنید. هرگاه شما را فرا خواندم، اجابت نمایید و فرمان دادم، اطاعت کنید.<sup>۳۳</sup>

چهارم. برقراری عدالت در حوزه قضایی - حقوقی: اجرای عدالت قضایی از مهم‌ترین آرمان‌ها و آرزوهای جامعه بشری است. عدالت قضایی به معنای داوری و قضاوت میان مردم بر اساس قوانین و با توجه کامل و بدون جانب‌داری است که با هدف ممانعت از تضییع حقوق انسان‌ها انجام می‌گیرد. بنابراین، رعایت انصاف و بی‌طرفی در قضاوت، توجه به حرمت افراد و حفظ قانون و اجرای صحیح آن و محکوم کردن اقدامات خودسرانه از شاخصه‌های مهم عدالت قضایی است. قرآن کریم در چندین آیه این مسئله را تأکید کرده است، از جمله خطاب به داوود که از نخستین پیامبرانی است که به تشکیل حکومت پرداخته، می‌فرماید:

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ  
الْهَوَىٰ ۚ <sup>۳۴</sup>

ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه و جانشین گردانیدیم پس میان مردم به حق داوری کن و از هوس پیروی مکن.

و در جای دیگری می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا  
بِالْعَدْلِ ۚ <sup>۳۵</sup>

خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید.

مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه‌ای در این باره می‌فرمایند:

قضاوت در یک کشور، معیار سلامت آن کشور است. اگر دستگاه قضایی سالم بود، می‌توان نتیجه گرفت که وضع عمومی جامعه و کشور از جهت برخورداری از عدالت و دوری از تبعیض و ستم و احجاف و تجاوز و این عنصرهای بزرگ بشری سالم است؛ یعنی اگر فرض کنیم کسی از یک کشور هیچ خبری نداشته باشد سپس به دستگاه قضایی آن کشور برود و تفحص بکند و ببیند که آن‌جا قضاتی عادل و قاطع، سیستم و سازمانی منسجم و کار آمد، قوانینی حساب شده و عادلانه وجود دارد و مشاهده کند که آنها خوب کار می‌کنند قاعدتاً باید نتیجه بگیرد که وضع کشور خوب است.<sup>۳۶</sup>

پنجم. برقراری عدالت در حوزه اقتصاد: عدالت اقتصادی که مهم‌ترین شاخصه عدالت اجتماعی به شمار می‌رود، به معنای توزیع عادلانه امکانات مادی، رفاهی، بهداشتی، عمرانی، معیشتی و خدماتی جامعه و تلاش برای از بین بردن فقر و فساد مالی است. تأمین رفاه اقتصادی و سامان بخشیدن به وضع معیشتی مردم، زمینه و بستر مناسبی برای رسیدن به اهداف انسانی، الهی و تکامل معنوی است؛ چرا که با وجود فقر و نیاز

مقام معظم رهبری:  
قضاوت در یک کشور، معیار سلامت آن کشور است. اگر دستگاه قضایی سالم بود، می‌توان نتیجه گرفت که وضع عمومی جامعه و کشور از جهت برخورداری از عدالت و دوری از تبعیض و ستم و احجاف و تجاوز و این عنصرهای بزرگ بشری سالم است.

مادی فرصت و توانی برای اندیشیدن به مفاهیم برتر و تکامل و سازندگی باقی نمی‌ماند. لذا دین مبین اسلام به این مسئله بسیار تأکید کرده است. خداوند متعال می‌فرماید:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ۳۷

به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.

امام علی نیز درباره تقسیم مساوی بیت‌المال اصرار می‌ورزیدند. ایشان با استناد به سنت رسول خدا می‌فرمود: آن‌گونه که رسول خدا عطا کرد، من عطا کردم. او به طور مساوی تقسیم می‌کرد و من نیز بیت‌المال را به گونه‌ای قرار نمی‌دهم که میان توان‌گران دست به دست شود و به فقیران و نیازمندان چیزی نرسد.<sup>۳۸</sup>

و در جای دیگری فرمودند:

من و تبعیض؟ من و پای مال کردن عدالت؟ اگر همه اموال عمومی که در اختیار من است، مال شخصی خودم بود و من می‌خواستم آن را تقسیم کنم، هرگز تبعیض روا نمی‌داشتم تا چه رسد که مال، مال خداست و من امانت‌دار خدایم.<sup>۳۹</sup>

لکن باید توجه داشت که مقتضای عدالت اقتصادی آن نیست که حقوق و دست‌مزد و درآمد اقتصادی تک تک افراد جامعه نیز همانند سهم عمومی آنها از بیت‌المال، مساوی و یکسان باشد، بلکه لازمه تحقق عدالت در این مرحله، متفاوت بودن بهره‌مندی آنان از منابع و امکانات جامعه به تناسب تلاش و تأثیرگذاری آنان است. از این رو، نظام عدل اسلامی با وجود تلاش برای توسعه شرایط تکامل به گونه مساوی و فراگیر، به دست‌آوردهای اقتصادی افراد که بر پایه ابتکار و پشتکار خودشان فراهم آمده و در واقع محصول کارایی اختصاصی آنهاست، به دیده احترام می‌نگرد و درآمدها و سرمایه‌های مشروع آنان را محترم می‌شمارد.<sup>۴۰</sup>

از همه مباحث طرح شده درباره موضوع عدالت برمی‌آید که اهمیت والای عدالت در اسلام از طرفی و وابستگی تحقق آن به

ابزارهای حکومتی از طرف دیگر، نشان‌گر می‌دهد که تلاش برای تحقق آن در همه ابعاد باید به منزله سیاستی کلی و راه‌بردی بنیادین زیربنای تنظیم طرح‌ها و برنامه‌های دولت اسلامی قرار گیرد تا دولت‌ها و ملت‌ها با الگوگیری مناسب از آن، الگوی مناسبی برای زمینه ظهور حکومت عدل جهانی را فراهم آورند.

## ۲. امنیت

آرامش و اطمینان فکری، فردی و اجتماعی مقوله مهمی به شمار می‌رود که در واقع بخش عمده‌ای از زندگی انسان به آن وابسته است، به طوری که بدون برخورداری از آن اهداف دیگر بشر مانند عدالت، آزادی و پیشرفت‌های علمی و معنوی به دست نمی‌آید. از این رو، از دیرباز برای وضع قانون و تشکیل حکومت در جامعه برای تأمین این نیاز اساسی می‌کوشیده‌اند. تأمین امنیت فردی و حفظ حریم خصوصی افراد و دفاع از حقوق و آزادی‌های آنان و نیز امنیت اجتماعی که از آن به «امنیت ملی» تعبیر می‌کنیم، از اهدافی است که همواره دولت‌ها بدان توجه داشته‌اند. مکتب اسلام نیز مقوله امنیت را به هر دو معنا و در هر دو عرصه دارای اهمیتی ویژه می‌دانند، اما مفهوم امنیت از دیدگاه اسلام با امنیت پذیرفته شده در نزد مکاتب بشری تفاوت دارد. اسلام امنیتی را در نظر دارد که در پرتو آن انسان علاوه بر تأمین زندگی دنیوی‌اش، پله‌های کمال معنوی را به سلامت بتواند طی کند. امام علی به درگاه خدا عرض می‌کند:

خدایا تو می‌دانی که ... می‌خواستم نشانه‌های حق و دین تو را به جای‌گاه خویش بازگردانیم و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستم دیده‌ات در امن و امان زندگی کنند...<sup>۴۱</sup>

امام رضا نیز فرموده است:

از جمله اهداف رهبری در اسلام بستن شکاف‌ها و مراقبت از اطراف و اکناف کشور اسلامی به منظور جلوگیری از تجاوز بیگانگان و اقامه حدود و دفاع از دین خداست.<sup>۴۲</sup>

گذشته از این گفتار روشن‌گرانه، سیره پیامبر و امام علی در دوران حاکمیت نشان می‌دهد که تأمین امنیت مردم از دغدغه‌های آنان بوده است و همواره ایشان از به خطر افتادن

امنیت و آسایش مردم تحت حاکمیتشان نگران بوده‌اند. پیامبر هرگاه برای جنگی از مدینه خارج می‌شد، فردی را به جانشینی خود در شهر می‌گماشت تا به امور مردم رسیدگی کند، چنان‌که نگاه‌بانانی بر شهر مأمور می‌کرد و فرمان‌دهی برای آنان بر می‌گزید.<sup>۴۳</sup> امام علی حتی از به خطر افتادن امنیت اقلیت‌های مذهبی که تحت حاکمیت دولت اسلامی به سر می‌بردند، به شدت ناراحت می‌شد و از این‌که شیران خلخال زن یهودی را ربوده‌اند، مردن را بر مردان سزاوارتر می‌دانست.<sup>۴۴</sup>

نکته مهمی که توضیح آن ضروری به نظر می‌رسد، دامنه وسیع امنیت در بینش اسلامی است. دولت اسلامی نه تنها بسان دیگر نظام‌های سیاسی، باید به فکر تأمین امنیت جانی، مالی، فرهنگی و سیاسی افراد باشد، بلکه بهتر از آن باید به حفظ امنیت آبرو و حیثیت و امنیت ایمانی و اعتقادی افراد همت گمارد و پاس‌داشت این امنیت‌ها را باید در اولویت اهداف امنیتی خود در حکومت اسلامی قرار دهد؛ چرا که فراهم شدن شرایط مناسب برای رشد و تعالی فکری و معنوی جامعه در گرو تأمین امنیت آنان در همه ابعاد است. وسعت قوانین و مقررات و محدودیت‌ها در ابعاد گوناگون در مکتب اسلام، دامنه وسیع امنیت در این مکتب را می‌نماید. ممنوعیت تصرف در اموال دیگران بدون اجازه مالک، حرمت کم‌فروشی، اجحاف و گران‌فروشی، احتکار، کلاه‌برداری، رشوه و ... همگی برای تأمین امنیت اقتصادی افراد است. وضع قوانین قصاص و مجازات و اجرای حدود برای تأمین امنیت جانی و حرمت تجسس در زندگی دیگران، غیبت و تهمت، سوء ظن و قوانین از این دست برای دفاع از حریم آبرو و حیثیت اجتماعی مردم است، چنان‌که حرمت قمار و موسیقی لاهوی، تبلیغ شرک و کفر و مکاتب انحرافی، ترویج مکاتب و عقاید سحر برای حفظ امنیت فکری اعتقادی و ایمانی افراد جامعه است. وجوب جهاد، مرزبانی، عدم رابطه ولایت و دوستی با کفار و مشرکان و نفی سلطه کافران بر مسلمانان نیز برای حفظ امنیت ملی است که اسلام بدان توجه دارد.

گرچه تکالیف یاد شده بر عهده یکایک مسلمانان است، بسیاری از آنها از شئون حکومت شمرده می‌شود و از توان افراد به تنهایی خارج است. دولت اسلامی وظیفه دارد برای تأمین امنیت همه جانبه مسلمانان تدابیر لازم را به کار بندد. البته باید توجه داشت که برطبق تعالیم اسلامی به دست آوردن امنیت به هر قیمتی مطلوب نیست، بلکه امنیتی ارزش دارد که در سایه عزت و آزادگی به دست آید؛ امنیت ابدی و پایدار در روز قیامت. لذا امنیت‌گذاری دنیا که آن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و خدشه‌دار می‌کند، مطلوب نیست. آورده‌اند هنگامی که عبد الله بن جعفر خبر خروج امام حسین را از مدینه به عراق شنید، با ارسال نامه‌ای به امام در مکه با اصرار فراوان از حضرت خواست در مکه بماند تا او از یزید برای امام و خاندانش امان‌نامه دریافت کند. حضرت در پاسخ به او فرمود:

تو ما را به امان و نیکی و بخشش فراخواندی، در حالی که بهترین امان، امان خداست و کسی که در دنیا نترسد، در قیامت از خدا ایمن نیست. از خداوند ترس

دولت اسلامی نه تنها بسان دیگر نظام‌های سیاسی، باید به فکر تأمین امنیت جانی، مالی، فرهنگی و سیاسی افراد باشد، بلکه بهتر از آن باید به حفظ امنیت آبرو و حیثیت و امنیت ایمانی و اعتقادی افراد همت گمارد

در دنیا را خواهیم چرا که موجب امنیت و آسایش در روز قیامت است.<sup>۴۵</sup>

امنیت تنها در امان ماندن جان و مال نیست، بلکه ایمان و عزت و استقلال، ارزشی به مراتب بیشتر از جان و مال دارد. امنیت ارزش دارد که در پرتو ایمان و استقلال و عزت تأمین شود. پس جامعه‌ای که دولت‌مردان آن در تصمیم‌گیری استقلال رأی ندارند و تابع نظر دولت‌های مقتدر جهان یا منطقه‌ای باشند، امنیت ندارد و دولتی که سیاست‌مداران آن برای امان ماندن و تداوم حکومتشان به بیگانگان امتیاز دهند، از امنیت مطلوب برخوردار نخواهد بود.

از عوامل مهم که ضریب امنیت ملی را افزایش می‌دهد، مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی است. مشارکت و حضور مردم در عرصه‌های مختلف اداره امور کشور، باعث حمایت مردم از دولت‌مردان و اداره کشور به صورت مطلوب می‌گردد و در نتیجه، به دست‌یابی به استقلال و تأمین همه جانبه امنیت ملی می‌انجامد. سنت‌های الهی در طول تاریخ نیز بر این اصل استوار بوده که بقای هر ملتی به اراده و حیثیت خود آن بستگی داشته باشد و بنا نبوده که نیروهای غیبی از کیان قوم و ملتی دفاع کنند و دشمنان آنان را باز دارند.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ۚ<sup>۴۶</sup>  
در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند.

با وجود این، قرآن کریم به مردم گوش‌زد می‌فرماید که اگر در عرصه دفاع از دین خدا و عزت و شرف و استقلال خویش ثابت قدم باشند، خداوند با نیروهای غیبی خود آنان را حمایت می‌کند و پیروز می‌گرداند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُخْرِجْكُمْ  
أَقْدَامَكُمْ ۚ<sup>۴۷</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید، یاری‌تان می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.

بنابراین، هم مردم برای حضور در عرصه سیاسی و اجتماعی و دفاع از دولت اسلامی باید احساس مسئولیت کنند و هم دولت

زمینه‌های حضور و مشارکت فعال آنان را در جهت حفظ امنیت و آرامش باید فراهم سازد.

نکته مهم دیگر این‌که در فرهنگ اسلامی همه مسلمانان پیگیری واحد به شمار می‌روند و از این‌رو، آرمان اصلی تأمین برای همه مسلمانان و همه بلاد اسلامی است. مرزهای جغرافیایی در اسلام رسمیت ندارد، بلکه مرزهای عقیدتی است که انسان‌ها را از هم جدا می‌کند، هرچند که امروزه پای‌بندی به مرزهای جغرافیایی امری اجتناب‌ناپذیر گشته است. لذا دولت اسلامی نباید از تأمین امنیت مسلمانان در نقاط مختلف جهان غفلت کند و در برابر ظلم فراوانی که بر مسلمانان دیگر جهان وارد می‌شود، نباید بی‌اعتنایی کند. قرآن کریم در این‌باره به گونه توبیخ‌آمیز مسلمانان را خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید:

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ  
وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ  
الظَّالِمِ أَهْلِهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ  
نَصِيرًا ۚ<sup>۴۸</sup>

و چرا شما در راه خدا و در راه نجات مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند، بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما.<sup>۴۹</sup>

نتیجه این‌که آموزه‌های دین مبین اسلام بر تأمین امنیت همه‌جانبه مسلمانان در همه دنیا تأکید فراوان دارند و تأمین امنیت، از اهداف مهم رسول گرامی اسلام و امام علی در دوران حکومت بوده است. لذا دولت اسلامی نیز در راستای زمینه‌سازی برای حکومت مهدوی، لازم است آن را در رأس اهداف خود قرار دهد و برای نیل به آن از هیچ تلاش و تدبیری فروگذاری نکند.

اگر دولت اسلامی بتواند در دست‌یابی به این هدف موفقیت‌هایی کسب کند، نمونه‌ای از امنیت در حکومت مهدوی خواهد بود و در نتیجه، دولت‌ها و ملت‌هایی که تشنه تحقق امنیت کامل در جهان هستند، مشتاق حکومت جهانی امام عصر خواهند شد و بدین طریق، زمینه برای ظهور حضرت فراهم خواهد شد.

### ۳. توان‌مندی و عدم وابستگی

از اهداف مهمی که دولت اسلامی باید آن را دنبال کند، رسیدن به توان‌مندی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، نظامی، علمی و سیاسی است. دولت توان‌مند و قدرت‌مند، همواره در جامعه جهانی تأثیر می‌گذارد و از عهده زمینه‌سازی برای حکومت جهانی می‌تواند برآید. از آن‌سو، دولت ضعیف و وابسته که مجبور است برای حفظ موجودیت و منافع خود در مقابل خواست بیگانگان منفعل عمل کند، آرمان‌های اسلامی را نمی‌تواند پاس دارد و آنها را در سطح جهان تبلیغ نماید. بنابراین، شرط اساسی زمینه‌سازی برای انقلاب جهانی، اقتدار و عدم وابستگی است.

دولت اسلامی در بُعد توان‌مندی اقتصادی باید بکوشد از هر راه به مکتب و اقتدار اقتصادی دست یازد؛ چراکه حفظ استقلال و آزادی و عزت در عرصه داخلی و بین‌المللی و نیز حفظ دین و فرهنگ دینی و گسترش و تبلیغ آرمان‌های اسلامی و انسانی در گرو قدرت مالی و اقتصادی است. قرآن کریم نیز مال را مایه قوام و سر پاماندن حیات فردی، اجتماعی فرهنگی، سیاسی و... بر شمرده است، آن‌جا که می‌فرماید:

وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا... ۵۰

اموال خود را که خداوند وسیله برپا ماندن زندگی شما قرار داده است، به دست سفیهان نسپارید.

پس دولت اسلامی و مجریان امر باید فراوان بکوشند تا با رسیدن به استقلال اقتصادی و خودکفایی در عرصه‌های مختلف، کشوری مقتدر و متمکن بسازند. در بُعد توان‌مندی دفاعی و نظامی نیز دولت اسلامی باید به چنین قدرتی دست یابد که بتواند در مقابل دشمنان خدا و دشمنان اسلام بایستد. اسلام، مسلمانان را به داشتن قدرت و نیروی بازدارنده جنگی، نه به انگیزه کشورگشایی و غارت و چپاول ثروت‌های ملل دیگر، بلکه به منظور جلوگیری از تجاوز سلطه‌جویان و جهان‌خواران و ایجاد ترس و هراس در دل دشمنان و به تعبیر قرآن، نیفتادن در «فتنه» ترغیب کرده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ ۵۱

و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین یک‌سره از آن خدا گردد.

آیه زیر نیز به روشنی و با بیان سیال و سازگار با هر زمان و مکان، ضرورت توان‌مندی نظامی جامعه ایمانی را باز می‌گوید:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ  
وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ۵۲

و در برابر آنها تا می‌توانید نیرو و اسبان سواری آماده کنید تا دشمنان خدا و دشمنان خود و جز آنها را که شما نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد، بترسانید.

اسلام، مسلمانان را به داشتن قدرت و نیروی بازدارنده جنگی، نه به انگیزه کشورگشایی و غارت و چپاول ثروت‌های ملل دیگر، بلکه به منظور جلوگیری از تجاوز سلطه‌جویان و جهان‌خواران و ایجاد ترس و هراس در دل دشمنان و به تعبیر قرآن، نیفتادن در «فتنه» ترغیب کرده است.

و سرانجام درباره توان مندی علمی باید گفت که در پرتو تلاش‌ها و اقدامات و حمایت‌های حکومت اسلامی و در راستای زمینه‌سازی برای انقلاب جهانی امام مهدی، لازم است تحول و پیشرفت عظیم علمی صورت پذیرد و آگاهانی تربیت شوند که به تمام مکاتب فکری زنده و مبانی ایدئولوژیک آن آگاه باشند و در همه عرصه‌ها و در برابر پیدایی هر فکر، کشف و نظریه‌ای، دیدگاه دینی را بیان کنند و برتری حقایق و آموزه‌های دین و حقیقت تفکر دینی را روشن نمایند:

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِهِمْ  
بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ... ۵۳؛

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با انسان به نیکوترین روش استدلال کن.

که اگر جز این باشد، مصداق آیه زیر و همانندهای آن خواهد بود:

وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ  
مُرِيدٍ ۵۴؛

گروهی از مردم، بدون هیچ علم و دانش، به گفت‌وگو درباره خدا پرداخته و از هر شیطان سرکش پیروی می‌کنند.

تأکیدهای امامان معصوم، بر لزوم مناظره مذهبی و اعتقادی خبرگان و کسب چیرگی در این کار نیز باید از همین منظر نگریسته شود و برای همگان به ویژه پژوهندگان علمی، آویزه گوش و سرمشقی بزرگ باشد.

امام راحل نیز بر اصل استقلال و عدم وابستگی، بسیار پای می‌فشردند و این اصل را وظیفه و هدف همه حکومت‌های اسلامی و منتظران واقعی ترسیم می‌نمودند و عدول از آن را به منزله شکست اسلام و خیانت به آن می‌دانستند. ایشان در این باره می‌فرمودند:

شعار «نه شرقی، نه غربی» ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا،

اسلام را به عنوان تنها مکتب نجات‌بخش بشریت می‌پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد و کشورهای اسلامی و مردم مسلمان جهان باید نه وابسته به غرب و اروپا و امریکا و نه وابسته به شرق و شوروی باشند که ان شاء الله به خدا و رسول خدا و امام زمان وابسته‌اند. و به طور قطع و یقین پشت کردن به این سیاست بین‌المللی اسلام پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا و ائمه هدی است و نهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است. و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است که این سیاست ملاک ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است؛ چرا که شرط ورود به صراط حق، برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود.<sup>۵۵</sup>

#### ۴. مبارزه با فساد و احیای اخلاق اسلامی

وجود انواع مفاسد اخلاقی، انحرافات و کژروی‌های عقیدتی، فرهنگی و اجتماعی، افزایش فساد سیاسی و اقتصادی، کم فروغی اخلاق و معنویت، گسترش ظلم و بی‌عدالتی، افزایش شهوت‌رانی و هوس‌بازی و جهالت و دین‌گریزی از جمله نابسامانی‌هایی به شمار می‌رود که در جهان امروز انکارناپذیر است. همه این کاستی‌ها و کژی‌ها بر اثر تبلیغات فریبده شیطان‌صفتان، به تدریج رنگ ارزش و تمدن به خود گرفته است، به گونه‌ای که ارزش‌های اسلامی و فضایل و محاسن اخلاقی به حاشیه رانده شده و جهان روز به روز به سمت تباهی و فساد پیش می‌رود و از کمال و سعادت واقعی و تکامل انسانی دور می‌شود.

در حالی که این وضع، درست در مقابل هدف آفرینش انسان است؛ چرا که هدف آفرینش انسان رسیدن به کمال واقعی است و کمال و سعادت واقعی نیز در عبادت و عبودیت و حرکت به سوی خدا و رسیدن به او محقق می‌شود. قرآن کریم این هدف را برای کاروان بشری چنین ترسیم فرموده است:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ۵۶؛

و جن و انس را نیافریدم جز برای آن‌که مرا بپرستند.



رسیدن به این هدف مستلزم پرورش فضایل اخلاقی، سبقت به سوی نیکی‌ها و اعمال صالح و پرستش و عبادت و عدالت و تقواست. پیامبران و امامان نیز مردم را به سوی این فضایل دعوت کرده‌اند. بنابر روایات، اصلاح مردم و تغییر بنیادین رفتارها و گفتارهای غیر اخلاقی آنها از مهم‌ترین اقدامات دولت مهدوی است.

در پرتو آموزه‌های روشن اسلام در نظام سیاسی اسلام نیز به تربیت ایمانی و روحی و رشد و تعالی اخلاقی و معنوی افراد جامعه توجه خاص شده است. در فرهنگ اسلامی، فراهم کردن ابزارهای لازم برای رسیدن به این هدف و برطرف ساختن موانع آن بر عهده دولت اسلامی است؛ چرا که این امر بر اثر بهبودی وضع اجتماع حاصل می‌شود و محیط ناسالم و فاسد اجتماعی زمینه مساعدی برای رسیدن به کمالات و ارزش‌های عالی نیست. از سوی دیگر، باورها و اخلاق مردم تأثیر مستقیمی در رفتار اجتماعی آنها دارد. برای نمونه، اعتقاد به توحید یا شرک یا فضایل و رذایل اخلاقی در رفتار انسان‌ها تأثیر دارد. لذا دولت اسلامی به اوضاع اجتماعی و باورها و اعتقادات مردم نباید بی‌توجهی کند و باید در زمینه تقویت مبانی اعتقادی مردم و تربیت اخلاقی و معنوی آنها و اصلاح محیط اجتماع مسئولیت پذیرد و طرح‌ها و برنامه‌هایی ویژه پیش گیرد.

کارویژه چنین حکومتی، برنامه‌ریزی صحیح جامعه در همه ابعاد و جنبه‌ها به سمت رشد اخلاقی و فکری، تکامل معنوی و پیش‌رفت علمی هدایت و راه‌بردی است. این حکومت باید باورها و رفتارهای مردم را اصلاح نماید تا جامعه به سمت تعالی و تکامل و پیش‌رفت و رفاه ره یابد و عوامل سقوط و نابودی شخصیت‌ها و موانع رشد و کمال انسانی از بین برود. از همین رو، دین مبین اسلام احکامی چون امر به معروف و نهی از منکر، حجاب و پوشش مناسب، تقوا و خویش‌داری، اجرای حدود و دیات، جلوگیری از اشاعه فحشا و ممانعت از رواج کتب و نشریات گمراه‌کننده را تشریح کرده است. بی‌گمان جامعه تنها در صورت اقامه احکام الهی از آلودگی پیراسته می‌شود و انسان‌ها در پرتو آرامش روحی به سعادت و کمال انسانی ره می‌یابند. این اقدامات جز از حکومتی سالم و صالح و کارآمد که در مسیر فراهم آوردن شرایط و مقدمات ظهور امام عصر تلاش می‌کند، ساخته نیست.

#### ۵. ظلم و ستیزی سازش‌ناپذیری

رویارویی صریح، جدی و آشتی‌ناپذیر با حاکمان باطل و برخورد با همه مصادیق ظلم اعم از طاغوت‌ها و احبار و رهبان یا جهل و غرور، از جمله اهداف و ویژگی‌های حکومتی است که در جهت استمرار اهداف رسالت محمدی و ولایت علوی گام برمی‌دارد. اسلام، ظلم و ستم را حتی بر دشمنان هم روا نمی‌داند. امام علی وقتی می‌شنود که از پای زن یهودی خلخال را بیرون کشیده‌اند، تأسف می‌خورد و می‌فرماید: «اگر بر این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد و سزاوار است.»<sup>۵۷</sup>

امام حسین اصل سازش‌ناپذیری با طاغوت و مبارزه با ظلم را از اهداف قیام خونین

برخورد با همه مصادیق ظلم اعم از طاغوت‌ها و احبار و رهبان یا جهل و غرور، از جمله اهداف و ویژگی‌های حکومتی است که در جهت استمرار اهداف رسالت محمدی و ولایت علوی گام برمی‌دارد.

عاشورا برمی شمرد و می فرمود: «هیئات من الذلّة» و از نخستین اقدامات امام مهدی نیز طرد همه وجوه کفر و شرک در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی و ایجاد تفکر و فرهنگ توحیدی و خارج کردن جامعه از وضعیت ظلم‌پذیری و خروج بر ضد نظام ناعادلانه کفر و استکبار خواهد بود.

دولت اسلامی در زمینه بسترسازی برای پذیرش حکومت جهانی امام مهدی نیز باید اصل ظلم‌ستیزی و سازش‌ناپذیری با جباران و مستکبران را نصب العین خویش قرار دهد و در راه مبارزه با سلطه جهان‌خواران از هیچ اقدام مدبرانه‌ای کوتاهی نکند. این اندیشه در آثار و سیره امام خمینی نیز به چشم می‌خورد. ایشان مبارزه با حکومت‌های جور و ضد اسلام را تکلیف می‌دانست و تأکید می‌کرد که باید این حکومت‌های جور را کنار زد و می‌فرمود:

چنان‌چه نتوانستیم رضایت بر حکومت آنها و لو یک روز و لو یک ساعت، این رضایت بر ظلم است و ... و همه ما مکلفیم با این حکومت‌ها مبارزه کنیم و هیچ عذری پذیرفته نیست.<sup>۵۸</sup>

و در جای دیگری هدف دولت زمینه‌ساز را چنین تشریح می‌فرمود:

ما اگر دستمان می‌رسید و قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم‌ها و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست... ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستم‌گران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است، به سیطره و سلطه ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلقه حق امام زمان هموار می‌کنیم.<sup>۵۹</sup>

#### ۶. خدمت‌رسانی به مردم

پرهیز از قدرت‌طلبی و کسب منافع شخصی و اهتمام به مسائل و مشکلات مردم جامعه و تلاش در جهت برطرف کردن آنها، از جمله اهدافی است که دولت‌های اسلامی نباید از آن غافل بمانند. مجریان امر حکومت باید توجه داشته باشند که برای خدمت کردن به مسلمانان و حل مشکلات آنان روی کار آمده‌اند. پیامبر عظیم

الشان اسلام در امر حکومتشان و امامان معصوم به این نکته بسیار توجه داشته‌اند، چنان‌که رسول خدا می‌فرماید: هر کس شب را به صبح برساند و به اصلاح امور مسلمانان اهتمام نوزد مسلمان نیست.<sup>۶۰</sup>

بنابر روایتی از سعد بن قیس همدانی، روزی امام علی در هوای گرم کنار دیواری ایستاده بود که سعد از ایشان پرسید: چرا در این هوای گرم این جا ایستاده‌اید؟ امام فرمود:

مَا خَرَجْتُ إِلَّا لِأَعِينَ مَظْلُومًا أَوْ أُغِيثَ مَلْهُوفًا؛<sup>۶۱</sup>

در این هنگام از گرمای روز از محل استراحت خارج نشدم، مگر برای این‌که مظلومی را یاری دهم و گرفتاری را پناه باشم.

خدمت‌رسانی به مردم مسئله‌ای است که ارزش ذاتی دارد و همان‌گونه که خدمت به مؤمن ارزش فراوان دارد، خدمت به غیر مؤمن نیز از باب «الخلق عیال الله» ارزش دارد، چنان‌که امام کاظم فرموده است:

خداوند روی زمین مخلوقاتی دارد که برای برآوردن نیازهای مردم تلاش می‌کنند. ایشان در قیامت در امنیت قرار دارند.<sup>۶۲</sup>

نیز بنابر روایتی رسول خدا فرموده‌اند:

مردم خانواده خداوند هستند، پس محبوب‌ترین خلق در نزد خدا کسانی هستند که به خانواده خدا سود رسانند و با آنها مهربان‌تر باشند و در رفع نیازهای آنها کوشا تر باشند.<sup>۶۳</sup>

خدمت کردن به مردم و کوشش در جهت اصلاح کارهای آنها هم از شئون حکومت است و هم از شئون افراد، چنان‌که همه باید این امر را در نظر داشته باشند و از آن کوتاهی نکنند. هم مردم و هم مسئولان دولت زمینه‌ساز، باید با الگو و اسوه قرار دادن معصومان خود را در قبال یک‌دیگر متعهد و مسئول بدانند و در راه خدمت به خلق خدا بدون هیچ‌گونه عوام‌فریبی و منت نهادن، خالصانه بکوشند. آنان تنها در این صورت الگو و اسوه‌ای برای جهانیان می‌توانند گردند و افکار و اذهان مردم جهان را تنها این‌گونه به دین اسلام و رفتار اسلامی و در نهایت به حکومت دین جهانی می‌توانند متمایل و پذیرا سازند.

## ۷. تلاش برای برقراری اتحاد و انسجام میان مسلمانان

بی‌شک اتحاد نقش اعجاز‌آمیزی در پیش‌برد اهداف دارد و جمعیت و اتحاد، قدرت را چندین برابر می‌کند. پیامبرگرامی اسلام فرموده‌اند:

المؤمن للمؤمن كالبنيان يشيد بعضه بعضاً؛<sup>۶۴</sup>

افراد با ایمان نسبت به یک‌دیگر همانند اجزای یک ساختمان هستند که هر جزئی از آن جزء دیگر را محکم نگه می‌دارد.

اگر مسلمانان دست به دست هم دهند و با اتحاد و انسجام همه‌جانبه در محور اسلام حرکت کنند، هم‌چون دریایی خروشان خواهند بود که در برابر امواج سهم‌گین طوفان‌ها ایستادگی خواهند کرد.

اگر حکومت‌های اسلامی همه امکانات خود را برای تحقق آرمان‌های اسلامی به کارگیرند و با تشکیل کنفرانس‌های جدی و عمیق و برنامه‌ریزی‌های دقیق در جهت تحقق اهداف حکومت جهانی حرکت کنند و اگر ملت‌های اسلامی دست به دست هم دهند و امت واحد و یگانه جهانی را تشکیل دهند و از اختلافات فرعی و موسمی بپرهیزند، آن وقت می‌توانند راه را برای ظهور مصلح جهانی هموار سازند. امروزه میلیاردها مسلمان در دنیا زندگی می‌کنند که در بسیاری از کشورها دارای نیروی عظیم هستند. اگر این مسلمان‌ها متحد شوند، هیچ قدرت سلطه‌جو و مستکبری بدون جلب رضای آنها نمی‌تواند حکومت کند و اهدافش را به کرسی بنشاند. لذا دولت‌های اسلامی، برقراری اتحاد و انسجام را باید هدفی بسیار مهم و مؤثر دنبال کنند تا با رسیدن به آن، قدرت اسلامی عظیمی را تشکیل دهند که زمینه‌ساز و یاری دهنده امام عصر گردد.

### ب) اهداف ویژه دولت زمینه‌ساز ظهور

آن‌چه تاکنون بیان شد، شماری از اهداف مهمی بود که دولت‌های اسلامی در راستای تبلیغ دین مبین اسلام و نشان دادن آرمان‌های والای آن به جهانیان باید دنبال کنند تا الگوی عملی برای دولت‌ها و ملت‌های بیگانه با اسلام شوند که البته اگر در این اهداف موفق گردند، باعث گسترش و نفوذ اسلام در جهان می‌شوند و به طور غیر مستقیم، عدالت‌خواهان و ظلم‌ستیزان، جهان را برای پذیرش انقلاب مهدی موعود آماده و پذیرا می‌کنند. به عبارت دیگر، وقتی ملت‌ها و دولت‌های آزاده جهان، آرمان‌ها و آموزه‌های دین اسلام را در عمل کشورها و دولت‌های اسلامی مشاهده کنند، به برتری و حقانیت اسلام و بطلان مکتب‌ها و مسلک‌های دیگر پی می‌برند و در نتیجه، آماده و مشتاق تحقق حکومت جهانی اسلام می‌گردند.

لکن دولت‌های اسلامی در مسئله زمینه‌سازی برای ظهور باید اهداف دیگری را پی بگیرند؛ اهدافی که تعقیب آنها در الگوسازی برای حکومت عدل جهانی نقشی ندارد، بلکه تحقق آنها لازمه زمینه‌سازی مستقیم و آماده شدن برای یاری رساندن به انقلاب مهدی است:

وقتی ملت‌ها و دولت‌های آزاده جهان، آرمان‌ها و آموزه‌های دین اسلام را در عمل کشورها و دولت‌های اسلامی مشاهده کنند، به برتری و حقانیت اسلام و بطلان مکتب‌ها و مسلک‌های دیگر پی می‌برند و در نتیجه، آماده و مشتاق تحقق حکومت جهانی اسلام می‌گردند.

۱. معرفت بخشی مهدوی حفظ و گسترش مهدویت‌گرایی هم از حیث اعتقادی و هم از حیث عملی در عصر قبل از ظهور بسیار ضروری است؛ چرا که مردمی که دارای اعتقاد و شناخت صحیح باشند، حق را از باطل تشخیص می‌دهند و دچار تردید نمی‌گردند و در عصر ظهور به تصدیق و تأیید امام خود مبادرت می‌ورزند و یاری‌اش می‌نمایند. امروزه اکثر مردم جامعه به مسئله مهدویت بسیار سطحی و عامیانه می‌نگرند و کمتر به مقوله‌های معرفتی و تعهدآور توجه می‌کنند. برگزاری جشن‌های نیمه شعبان شاهدهی بر این مدعاست؛ جشن‌هایی که مردم تزیین معابر و مداحی‌ها را بر گوش دادن به سخن‌رانی‌ها و دریافت پیام‌های مهدویت و انتظار ترجیح می‌دهند. البته این جشن‌های ظاهری بسیار خوب است، ولی باید در کنار آن از نور معرفت صاحب آن نیز بهره‌مند گردند. به کسب معرفت و درک صحیح از پیشوای خود پردازند. رسول گرامی اسلام فرموده‌اند:

من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة؛<sup>۶۵</sup>

آن کس که امام زمانش را نشناخته بمیرد به مرگ جاهلی مرده است.

بدون تردید، مقصود از شناختی که پیامبر تحصیل آن را برای هر کس واجب دانسته، شناخت سطحی و دانستن نام و نشان و نسب امام نیست، بلکه منظور معرفت به حق ولایت امام در تمامی شئون اعم از ولایت تکوینی و ولایت تشریحی و مقام خلیفة‌اللہی و ولایت مطلقه الهی، رهبری سیاسی، صدور حکم، قضاوت و مرجعیت علمی و دینی و در نهایت، شناخت سیره و صفات حضرت و جای‌گاه بلند ایشان در مجموعه هستی و در نتیجه، پیروی از اعمال ایشان است. امام باقر در این باره فرموده‌اند:

اگر شخصی شب‌ها به عبادت برخیزد و روزهایش را روزه بدارد و تمام مالش را صدقه دهد و همه سال‌های عمرش حج خانه کعبه را انجام دهد، ولی ولایت ولی خدا را نشناسد تا از او پیروی کند و تمام اعمالش با راه‌نمایی او انجام پذیرد، حق ثواب در نزد خداوند بر او نیست و او از اهل ایمان نبوده است.<sup>۶۶</sup>

این همان معرفتی است که انسان‌ها را تشنه و مشتاق ظهور امام می‌گرداند، چنان‌که با همه وجود نیاز به امام را درمی‌یابند و

به دنبال این درک در برابر شبهه‌افکنی‌های ملحدان و اعمال ضد ارزشی مقاومت می‌کنند. ناگفته نماند که از دلایل غیبت حضرت، عدم معرفت مردم به ایشان شمرده شده است؛ چرا که چون مردم در زمان حضور امام قدر ایشان را نشناختند و از هدایت‌های ایشان بهره نبردند، خداوند آخرین حجت خویش را پنهان کرد. پس همان‌طور که عدم معرفت سبب غیبت امام گردید، کسب معرفت صحیح و عمل صالح نیز به یقین ظهورآفرین خواهد بود.<sup>۶۷</sup>

خداوند سبحان زمانی منجی موعود را به جامعه بشری عرضه خواهد کرد که دل‌های منتظران لبریز از تقاضای واقعی باشد. حضرت در توقیعی خطاب به شیخ مفید چنین بیان داشته‌اند:

... و لو کان أشیاعنا و فقهم الله لطاعته علی إجتاع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخر عنهم الیمن بلقائنا و لتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا علی حق المعرفة و صدقها منهم بنا فما یجسنا عنهم إلا ما یتصل بنا بما نکره ولا نؤثره منهم؛<sup>۶۸</sup>

اگر شیعیان ما - که خدایشان بر انجام طاعات موفق بدارد - در وفا کردن به عهد ما هم‌دل و یک‌نوا بودند، در یمن‌لقای ما دچار تأخیر نمی‌شدند و سعادت دیدار توأم با معرفت ما به سویشان می‌شتافت؛ ما را از ایشان چیزی جز آنچه از ایشان به ما می‌رسد و از آن نمی‌پسندیم، جدا نکرده است.

احیا و گسترش فرهنگ صحیح مهدوی در جامعه در عرصه داخلی و جهانی بر عهده دولت اسلامی است. دستگاه‌های تبلیغاتی حکومتی و رسانه‌های دولتی، بسیار مؤثرتر معارف مهدوی را به جامعه می‌توانند تزریق کنند و باورهای سطحی و انحرافی درباره مهدی را در میان افراد می‌توانند اصلاح نمایند. دولت اسلامی در این زمینه اقدامات مؤثری می‌تواند انجام دهد، از جمله موارد زیر:

- برگزاری دوره‌های تخصصی مهدویت در سطوح مختلف آموزشی؛

- حمایت مالی از مؤسسات فرهنگی مهدویت و تحت پوشش قرار دادن آنها؛

- راه‌اندازی شبکه مهدویت (در سطح داخلی و بین‌المللی)؛

- حمایت از مبلغان حوزه مهدویت (در سطح داخلی و بین‌المللی)؛  
- تزریق معارف مهدوی به جامعه از طریق دستگاه‌های تبلیغاتی حکومتی و رسانه‌های دولتی؛

- برگزاری همایش‌های (داخلی و بین‌المللی) و حمایت ویژه دولت از آنها.  
دولت اسلامی از راه‌های یاد شده و روش‌های دیگر باید در جهت برچیدن استضعاف فکری و معرفتی در سطح جهانی تلاش کند و با گسترش این باور در میان مسلمانان جهان، بستر معرفتی - فکری و روانی مساعدی را برای ظهور امام عصر فراهم سازد.

۲. تربیت نیروهای لازم و کارآمد: برای حرکت اصلاحی، وجود یاورانی ضرورت دارد که با برنامه‌ها و اهداف آن حرکت، آشنا و به آنها اعتقاد داشته باشند تا دست از یاری رهبر بر ندارند. بدون یار و یاور منتظر حرکت و اقدامی نمی‌توان بود، هر چند که رهبر آماده باشد. نیاز به یار و همراه در تاریخ اسلام به روشنی گواه بر اهمیت این شرط است. پیامبر اسلام وقتی از جانب خداوند مأموریت یافت که دعوت خویش را علنی سازد، خویشاوندان خود را فراخواند و بعد از ابلاغ رسالت فرمود: «اَیُّکُم یوازرنی علی هذا الامر...»؛ چه کسی از شما مرا در این امر یاری و همراهی می‌کند؟

به راستی چرا امام علی با آن رشادت و شجاعت وصف‌ناپذیر خانه‌نشین شد؟ چگونه امام حسن به قبول و امضای صلح مجبور گردید؟ و چقدر عبرت‌آموز است سخن بانوی بزرگوار اسلام حضرت زینب کبرا که در شب عاشورا به برادرش فرمود: حسین جان! آیا یارانت را آزموده‌ای که فردا تو را تنها نگذارند؟ با نگاهی گذرا به تاریخ به خوبی می‌توان نقش و جای‌گاه یاوران را در حرکت‌ها و خیزش‌ها دریافت. به راستی چرا غیبت به وجود آمد؟ اگر مردم دست از یاری اهل بیت بر نمی‌داشتند و آنها را تنها نمی‌گذاشتند، آیا غیبت رخ می‌داد؟ چنان‌که عدم همراهی غیبت‌آفرین است، همراهی و یاورانی ظهورآفرین.<sup>۶۹</sup> پس شرط ظهور امام عصر وجود دست‌یارانی نستوه و خستگی‌ناپذیر است که در بُعد بدنی، روحی، فکری و معنوی شایستگی‌های لازم را برای تحمل مبارزه‌های فراگیر و تحول‌ساز جهانی داشته باشند و بر دشمنان بتوانند چیره شوند؛ کسانی که چنین آمادگی‌هایی را نداشته باشند، با کمترین فشار عرصه را خالی می‌کنند و امامشان را تنها می‌گذارند. پس تدارک نیروهای لازم و کارآمد و متناسب با عظمت حرکت مداوم امام ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

دولت زمینه‌ساز انقلاب جهانی باید عملیات بنیادین کادرسازی را آغاز کند و نیروهای اعتمادپذیر را تربیت نماید؛ نیروهایی که از نظر قدرت‌های ایمانی و روحی و بدنی و نظامی و علمی و تمرین‌های عملی و پرورش‌های اخلاقی و اجتماعی و سازمان‌دهی‌های سیاسی، آمادگی‌های لازم را کسب کرده باشند تا توان شرکت در انقلاب سترگ و بی‌مانند حضرت را داشته باشند، نیروهایی که بر اثر بلوغ و رشد فکری و روحی درک کنند که مشکلات عظیم جهان بشری، ستم‌ها و بی‌دادگری‌ها به آسانی از میان برداشته نمی‌شود، بلکه

شرط ظهور امام عصر وجود دست‌یارانی نستوه و خستگی‌ناپذیر است که در بُعد بدنی، روحی، فکری و معنوی شایستگی‌های لازم را برای تحمل مبارزه‌های فراگیر و تحول‌ساز جهانی داشته باشند

رنج‌ها و فداکاری‌های فراوان و تحمل دشواری‌های بسیار سنگین ضرورت دارد و سرانجام نیروهایی که باور داشته باشند که انقلاب منجی به سادگی پیروز نمی‌گردد و با راحتی و بدون درگیری و خون‌ریزی نعمت و آسایش و رفاه همگانی میسر نمی‌شود.

پس شیعیان در پرتو تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت اسلامی باید به بلوغ و توانایی یاری امام در اداره جامعه جهانی برسند و قدرت تغییر عقاید، فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و وابستگی‌ها را به دست آورند؛ زیرا اسلامی که امام زمان ارائه می‌کند، برای بسیاری ناشناخته و دور از تصورات آنان به اسلام رایج است. از این رو، از مسئولیت‌های بزرگ دولت‌های شیعی در دوران غیبت، آماده‌سازی و تربیت نیروی انسانی هم‌آهنگ و همراه با مسئولیت‌های حکومت عدل جهانی حضرت مهدی است. این آمادگی و کادرسازی باید به صورت زنده و فعال در جامعه اسلامی به وجود آید و با اقدامات مدیرانه حکومت‌های شیعه به دیگر جوامع اسلامی نیز سرایت یابد. البته ناگفته نماند که علما و نخبگان جهان تشیع نیز مسئولیت‌های سنگینی در این باره بر دوش دارند و تلاش مضاعف جهانی را باید انجام دهند.

۳. مبارزه با تبلیغات منفی و یأس‌آلود دشمنان: به جرئت می‌توان گفت که امروزه موعودباوری اسلامی و شیعی بیش از هر زمان دیگر دست‌خوش تهدیدها و آسیب‌ها قرار گرفته است؛ تهدیدهای دشمنان دانا و آسیب‌های دوستان نادان.

اگر به حجم کتاب‌هایی بنگریم که در سالیان اخیر در ردّ اعتقادات شیعی، به ویژه موضوع مهدویت و انتظار نوشته شده و دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای چون آمریکا و انگلیس، رژیم صهیونیستی و... در شمارگان وسیع به انتشار آنها پرداخته‌اند، اگر به شمار بسیار فیلم‌هایی بنگریم که در دو سه دهه گذشته با هدف ترویج و تبلیغ نگرش آخرزمانی مسیحی - یهودی و تقبیح و تحقیر نگرش آخرزمانی و موعودباوری اسلامی ساخته شده‌اند، اگر به شمارگان کتاب‌های سطحی، نازل، عوام‌پسندانه و مبتنی بر باورهای سست و خرافی توجه کنیم که در چند سال اخیر در کشور ما در زمینه موضوع مهدوی نوشته شده‌اند، اگر به تعداد روزافزون مجالس و محافل نگاه کنیم که به بهانه ذکر و یاد امام زمان در گوشه گوشه این سرزمین تشکیل می‌شوند و به جای بارور کردن روحیه امید، سرزندگی، تلاش، تکاپو، در دل

جوانان این سرزمین و بالابردن سطح هشیاری، احساس مسئولیت و آمادگی آنان برای ظهور، بذریع‌یأس و نومیدی، عزلت‌گزینی و گوشه‌نشینی، بی‌مسئولیتی و بی‌توجهی، سستی و رخوت را در دل آنان می‌کارند و سرانجام اگر قدری سرمان را بالا بیاوریم و به شبهات و پرسش‌هایی نظر افکنیم که امروز در جامعه اسلامی ما در مورد امام زمان مطرح می‌شود، خواهیم پذیرفت که ادعای یاد شده بی‌اساس نیست و یتیمان آل محمد بیش از هر زمان دیگر نیازمند سرپرستی و توجه علمای دین هستند.

به نظر می‌رسد در شرایط کنونی مهم‌ترین مسئولیت‌های دولت اسلامی و علمای دین، به شرح ذیل است:

۱. تألیف و تدوین کتاب‌ها و نشریاتی که با بهره‌گیری از منابع اصلی و متقن شیعی معارف مهدوی را به دور از هرگونه پیرایه، در اختیار گروه‌های مختلف سنی (کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان) و قشرهای مختلف اجتماعی (فرهیبختگان، دانش‌گاہیان، دانش‌جویان، کارمندان، کارگران، کشاورزان، زنان خانه‌دار و...) قرار دهند و آنها را به وظایف و تکالیفشان درباره امام عصر آشنا سازند؛

۲. نشر کتاب‌ها و آثاری که پرسش‌ها و شبهات مطرح در حوزه مباحث مهدوی و ابهام‌های موجود در زمینه منجی‌گرایی شیعه را به صورتی عالمانه و متناسب با ذهن و زبان نسل امروز پاسخ دهد؛

۳. نظارت مستمر بر کتاب‌ها و نشریاتی که در زمینه باور مهدوی و فرهنگ انتظار منتشر می‌شوند و جلوگیری از نشر و پخش آثاری که به عرضه مطالب بی‌محتوا، کم‌محتوا، انحرافی، سست و بی‌اساس در جامعه می‌پردازند؛

۴. رصد دایمی پایگاه‌های اینترنتی، شبکه‌های ماهواره‌ای، مطبوعات و کتاب‌های خارجی و فراهم آوردن پاسخ‌های مناسب برای شبهاتی که القا می‌شود؛

۵. انتشار کتاب‌ها و نشریاتی که معارف مهدوی را به زبان‌های روز دنیا در اختیار همه طالبان و مشتاقان این معارف در سراسر جهان قرار دهد؛

۶. مقابله با انحراف‌ها، بدعت‌ها، کج‌فهمی‌ها، بدفهمی‌ها و بالاخره افراط‌ها و تفریط‌هایی که در حوزه مباحث مهدوی در جامعه ما رواج پیدا کرده یا خواهد کرد؛

۷. مقابله جدی با کلیه جریان‌های سیاسی - فرهنگی که در قالب کتاب، نشریه، فیلم، نرم‌افزارهای رایانه‌ای، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی جهانی (اینترنت) و... به تقابل با اندیشه موعودگرایی شیعی می‌پردازند.

۸. بررسی و نقد دیدگاه‌های متفکران مغرب زمین در زمینه جهان آینده و آینده جهان.<sup>۷۰</sup> نتیجه این که مجاهدت در عرصه علمی و فرهنگی و مبارزه با شبهه‌آفرینان نه تنها بر همه روحانیان، مبلغان، استادان و تمام مسئولان و کارگزاران فرهنگی دولت اسلامی لازم است، بلکه همه مردم باید از ره‌گذر کوشش‌های متصدیان فرهنگی کشور به سلاح علم و معرفت و منطق درست مجهز شوند و به مقابله با حزب شیطان بشتابند. دولت اسلامی نباید در مقابل هجوم بی‌امان امواج گمراهی و فساد به حرکت‌های آرام و فعالیت‌های سطحی و مقطعی بسنده کند تا جامعه منتظر در برابر تبلیغات مسموم و فریبنده دشمنان و دوستان نادان دچار اضطراب و تردید شود، بلکه باید با تلاش‌های پی‌گیر و خستگی‌ناپذیر به آمادگی بیشتر برای استقبال از پیک خسته عدالت و رستگاری کمک کند.

۴. آمادگی نظامی و دفاعی: همواره آموزه‌های دینی بر کسب قدرت و قوت برای مقابله با تهدیدهای دشمنان تأکید داشته‌اند. قرآن کریم با صراحت بر این مهم تأکید می‌کند و می‌فرماید:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُوا اللَّهَ وَعَدُواكُمْ  
وَأَخْرَجُوا مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ<sup>۷۱</sup>

و در برابر آنها تا می‌توانید نیرو و اسبان سواری آماده کنید تا دشمنان خدا و دشمنان خود - و جز آنها که شما نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد - را بترسانید.

اگرچه این آموزه درباره همگان و همه دوران‌هاست، اما با توجه به حساسیت دوران غیبت و لزوم آمادگی هرچه بیشتر در این دوران، اهمیت بیشتری خواهد داشت. این مهم در گفتار نورانی معصومان نیز آمده است. امام صادق فرموده‌اند:

ليعدن أحدكم لخروج القائم ولو سهماً فإن الله تعالى إذا علم ذلك من نيته رجوت  
لأن ينسى في عمره حتى يدرکه [فيكون من أعدائه و انصاره]؛<sup>۷۲</sup>

هر یک از شما باید برای خروج قائم سلاحی مهیا کند، هر چند یک تیر باشد. خدای تعالی هرگاه بداند، کسی چنین نیتی دارد، امید آن است که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند [و از یاوران و همراهانش قرار گیرد].

بنابر روایات، حضرت مهدی پس از اتمام حجت با جهانیان به ناگزیر با معاندان و دشمنان جنگ خونینی می‌کند و در این رویارویی، از یاران خود کمک می‌طلبد و آنان نیز در نهایت شجاعت با دشمنان می‌رزمنند.

با نگاهی به تاریخ شیعه نیز به عمق باور مردم به موضوع ظهور و آمادگی همیشگی آنان برای این منظور می‌توان پی برد. ابن بطوطه در *سفرنامه* خود می‌نویسد:

دولت اسلامی نباید در مقابل هجوم بی‌امان امواج گمراهی و فساد به حرکت‌های آرام و فعالیت‌های سطحی و مقطعی بسنده کند تا جامعه منتظر در برابر تبلیغات مسموم و فریبنده دشمنان و دوستان نادان دچار اضطراب و تردید شود.

## نتیجه

از آن چه گذشت، به خوبی در می‌یابیم که بنابر آموزه‌های دین مبین اسلام، یگانه هدف خلقت انسان رسیدن به عبودیت و قرب الی الله است و تنها راه قرار گرفتن در این مسیر، ظهور آخرین حجت حق و سرسپردگی به هدایت‌های ایشان است. این نجات‌بخشی در پرتو ظهور حضرت خاص دین اسلام نیست، بلکه همه ملت‌های آزاده جهان انتظار این منجی جهانی را می‌کشند. پس ظهور حضرت آمادگی جهانی را می‌طلبد و همان‌گونه که عدم آمادگی مردم موجب غیبت حضرت گردیده، تا این آمادگی فراهم نگردد، حضرت از پشت پرده غیبت بیرون نخواهد آمد. این آمادگی نیاز به زمینه‌سازی دارد و همه منتظران ظهور باید در زمینه‌سازی سهیم باشند. در این میان، دولت‌های اسلامی نقش بسیار مهم و حساسی را بر عهده دارند و باید با برنامه‌ریزی‌های صحیح و هدف‌مند در ایجاد آمادگی جهانی گام‌های بلند و مؤثری بردارند.

اهدافی که لازم است دولت‌های اسلامی آنها را دنبال کنند، در دو بخش اهداف عمومی و ویژه طرح‌شدنی است. اهداف عمومی که در راستای اهداف حکومت‌های نبوی و علوی است و همه دولت‌های اسلامی با دستیابی نسبی به آنها می‌توانند الگوی حکومت مهدوی را ترسیم کنند؛ دنیا را با ویژگی‌های نظام مهدوی آشنا سازند و جهان را آماده و پذیرایی حکومت حضرت نمایند. مهم‌ترین این اهداف عبارتند از: تلاش برای برقراری عدالت و امنیت، توان‌مندی و عدم وابستگی، مبارزه با فساد و احیای اخلاق اسلامی، ظلم‌ستیزی و سازش‌ناپذیری، خدمت‌رسانی به مردم و اتحاد و انسجام. اهداف ویژه نیز عبارت از اهدافی است که دولت زمینه‌ساز باید در جهت نیل به آنها فعالیت‌های گسترده‌ای انجام دهد و آمادگی خاص برای یاری حکومت حضرت را به دست آورد، مهم‌ترین این اهداف نیز تحت عناوین معرفت‌بخشی مهدوی، تربیت نیروهای کارآمد، مبارزه با تبلیغات منفی دشمنان و آمادگی نظامی بیان شد.

ندبه شیعیان حله برای امام زمان ... در نزدیکی بازار بزرگ شهر، مسجدی قرار دارد که بر در آن، پرده حریری آویزان است و آن‌جا را «مسجد صاحب‌الزمان» می‌خوانند. شب‌ها پیش از نماز عصر، صد مرد مسلح با شمشیرهای آخته ... اسب یا استری زین کرده می‌گیرند و به سوی مسجد صاحب‌الزمان روانه می‌شوند. پیشاپیش این چارپا، طبل و شیپور و بوق زده می‌شود. سایر مردم در طرفین این دسته حرکت می‌کنند؛ چون به مسجد صاحب‌الزمان می‌رسند، در برابر در ایستاده و آواز می‌دهند که: بسم الله صاحب‌الزمان، بسم الله بیرون آی که تباهی روی زمین را فرا گرفته و ستم فراوان گشته، وقت آن است که برآیی تا خدا به وسیله تو حق را از باطل جدا گرداند ... به همین ترتیب به نواختن ادامه می‌دهند تا نماز مغرب فرا رسد...<sup>۷۳</sup>

البته چگونگی آمادگی و مهیا بودن برای ظهور بستگی به شرایط زمان و مکان دارد و اگر روایات درباره آماده کردن اسب و شمشیر برای ظهور ولی امر، سخن گفته‌اند و برای آن فضیلت بسیار برشمرده‌اند، به این معنا نیست که اینها موضوعیت دارند، بلکه با قدری تأمل روشن می‌شود که ذکر این موارد تنها تمثیل و بیان لزوم آمادگی رزمی برای یاری آخرین حجت حق است. بی‌گمان شیعیان در این عصر باید با فراگرفتن فنون رزمی و مسلح شدن به تجهیزات نظامی و دفاعی متناسب با زمان، خود را برای مقابله با دشمنان قائم آل محمد آماده سازند. البته این مهم بر عهده حکومت اسلامی است که در زمین قوای مسلح کشور را در بالاترین حد آمادگی نظامی قرار دهند تا به فضل خدا در هر لحظه که اراده الهی بر ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی قرار گرفت، به بهترین گونه در خدمت آن حضرت بتوانند باشند.<sup>۷۴</sup>



## پی‌نوشت‌ها

۱. رحیم کارگر، *آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)*، ص ۸۷، چاپ اول: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی، قم ۱۳۸۳ شمسی.
۲. همان.
۳. نیراچاندوک، *جامعه مدنی و دولت*، ص ۶۲، ترجمه فریدون کاظمی و وحید بزرگی، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۷ شمسی.
۴. سیدجواد طاهایی، *اندیشه دولت مدرن*، ص ۲۵، چاپ اول: انتشارات عروج، تهران ۱۳۸۱ شمسی.
۵. عبدالحمید ابوالحمد، *مبانی سیاست*، ص ۱۴۱، چاپ دهم: انتشارات توس، تهران ۱۳۸۴ شمسی.
۶. سوره نور، آیه ۵۵.
۷. اقتباس از بیانات آیه‌الله مصباح یزدی، *خبرنامه همایش بین‌المللی دکترین مهدویت (آینده روشن)*، ش ۶، اسفند ۸۶، ص ۹.
۸. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.
۹. سوره قصص، آیه ۵.
۱۰. علامه مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۵۱، ص ۸۷، چاپ دوم: انتشارات مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ قمری.
۱۱. همان، ج ۵۲، ص ۲۳۸.
۱۲. همان، ص ۲۲۳.
۱۳. *صحیفه نور* (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، ج ۲۰، ص ۱۹۶-۱۹۷، چاپ اول: انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۶۹ شمسی.
۱۴. همان، ج ۷، ص ۲۵۵.
۱۵. همان، ج ۱۹، ص ۳.
۱۶. سوره نحل، آیه ۹۰.
۱۷. راغب الاصفهانی، *مفردات الالفاظ القرآن*، ذیل ماده عدل.

۱۸. ابن منظور، *لسان العرب*، ذیل ماده عدل.
۱۹. شیخ طوسی، *المبسوط فقه الإمامیه*، تصحیح و تعلیق محمد باقر بهبودی، ج ۸، ص ۲۱۷، انتشارات مکتبه المرتضویه.
۲۰. محمدحسین طباطبائی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ص ۳۷۱، چاپ سوم: انتشارات مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت ۱۳۹۳ قمری.
۲۱. *نهج البلاغه*، حکمت ۴۳۷.
۲۲. سوره حجر، آیه ۳۹.
۲۳. نجف لکزایی، مقاله «عدالت مهدوی تداوم رسالت انبیاء» مجموعه *گفتمان مهدویت: گفتمان ششم*، ص ۸۲ - ۸۴، چاپ اول: به کوشش مؤسسه پژوهشی انتظار نوره، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۸۵ شمسی.
۲۴. علی بن عیسی الیربلی، *کشف الغمّة فی معرفة الامّنة*، ج ۲، ص ۴۷۶، انتشارات مکتبه بنی هاشمی تبریز ۱۳۸۱ قمری.
۲۵. *صحیفه نور*، ج ۲۰، ص ۱۹۸ - ۱۹۹.
۲۶. *نهج البلاغه*، خطبه ۱۹۸.
۲۷. مطالب این قسمت تلخیص از: ابراهیم شفیعی سروسستانی، *معرفت امام زمان و تکلیف منتظران*، ص ۳۰۳ - ۳۰۵، چاپ اول: انتشارات موعود عصر، تهران.
۲۸. *بحار الانوار*، ج ۷۵، ص ۲۵۱.
۲۹. سیدجواد ورعی، *حقوق و وظایف شهروندان*، ص ۴۴۱، چاپ اول: انتشارات دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، قم، ۱۳۸۱ شمسی.
۳۰. سوره شوری، آیه ۳۸.
۳۱. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.
۳۲. سوره نساء، آیه ۵۹.
۳۳. *نهج البلاغه*، خطبه ۳۴.
۳۴. سوره ص، آیه ۲۶.
۳۵. سوره نساء، آیه ۵۸.
۳۶. *حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)*، ج ۷، ص ۱۷۵، چاپ اول: تهیه و تنظیم دفتر مقام معظم رهبری، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۶ شمسی.
۳۷. سوره حدید، آیه ۲۵.
۳۸. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، ص ۶۰ - ۶۱، چاپ دوم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، {بی جا}، {بی تا}.
۳۹. *نهج البلاغه*، خطبه ۶۲۱.
۴۰. اسماعیل پرور، *گل بانگ عدالت*، ص ۱۲۶، چاپ اول: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۸۲ شمسی.
۴۱. *نهج البلاغه*، خطبه ۱۳۱.
۴۲. ابن شعبه الحرّانی، *تحف العقول*، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، ص ۴۳۸، چاپ دوم: مؤسسه نشر الاسلامی، قم ۱۴۰۴ قمری.
۴۳. *بحار الانوار*، ج ۲۱، ص ۱۲۵.
۴۴. *نهج البلاغه*، خطبه ۲۷.
۴۵. *موسوعه کلمات الامام الحسین*، ص ۳۳۱ - ۳۳۲، چاپ اول:
- معهد تحقیقات باقر العلوم انتشارات دارالمعروف، قم ۱۴۱۵ قمری.
۴۶. سوره رعد، آیه ۱۱.
۴۷. سوره محمد، آیه ۷.
۴۸. سوره نساء، آیه ۷۵.
۴۹. مطالب این قسمت اقتباس از کتاب: *حقوق و وظایف شهروندان*، ص ۵۲۹ - ۵۳۸.
۵۰. سوره نساء، آیه ۵.
۵۱. سوره انفال، آیه ۳۹.
۵۲. سوره انفال، آیه ۶۰.
۵۳. سوره نحل، آیه ۱۲۵.
۵۴. سوره حج، آیه ۳.
۵۵. *صحیفه نور*، ج ۲۰، ص ۱۱۴.
۵۶. سوره ذاریات، آیه ۵۶.
۵۷. *نهج البلاغه*، خطبه ۲۷.
۵۸. *صحیفه نور*، ج ۳، ص ۱۹۸.
۵۹. *همان*، ج ۲۰، ص ۱۳۲.
۶۰. *بحار الانوار*، ج ۷۱، ص ۳۳۸.
۶۱. *همان*، ج ۴۰، ص ۱۱۳.
۶۲. *همان*، ج ۷۱، ص ۳۱۹.
۶۳. *همان*، ص ۳۱۶.
۶۴. *تفسیر ابوالفتح رازی*، ج ۲، ص ۴۵۰ (به نقل از: محمدی اشتهاردی، *حضرت مهدی قزوین تابان ولایت*، ص ۱۳۸، چاپ سیزدهم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم ۱۳۸۵ شمسی).
۶۵. *بحار الانوار*، ج ۸، ص ۳۶۸.
۶۶. *الکافی*، ج ۱، ص ۱۸۵.
۶۷. محمدامین بالادستیان و دیگران، *نگین آفرینش*، ص ۱۴۷ - ۱۵۱، چاپ دوم: انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود، قم ۱۳۸۴ شمسی.
۶۸. طبرسی، *الاحتجاج*، ج ۲، ص ۳۲۵، انتشارات النعمان، نجف اشرف ۱۳۸۶ قمری.
۶۹. *ره توشه مهدی یاوران*، ص ۲۱۳ - ۲۲۱، چاپ اول: تهیه و تدوین مرکز تخصصی مهدویت، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم ۱۳۸۱ شمسی.
۷۰. ابراهیم شفیعی سروسستانی، *معرفت امام زمان و تکلیف منتظران*، ص ۱۸۲ و ۳۸۹ - ۳۹۰.
۷۱. سوره انفال، آیه ۶۰.
۷۲. ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر النعمانی، *الغیبه*، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، مترجم محمدجواد غفاری، ص ۳۲۰، روایت دهم، چاپ دوم: انتشارات مکتبه الصدوق، تهران ۱۳۷۶ شمسی.
۷۳. *سفرنامه ابن بطوطه*، ج ۱، ص ۲۷۲. (به نقل از: ابراهیم شفیعی سروسستانی، *انتظار بایدها و نبایدها*، ص ۴۴، چاپ اول: انتشارات مؤسسه فرهنگی موعود، قم ۱۳۸۳ شمسی).
۷۴. *همان*، ص ۴۴ - ۴۵.